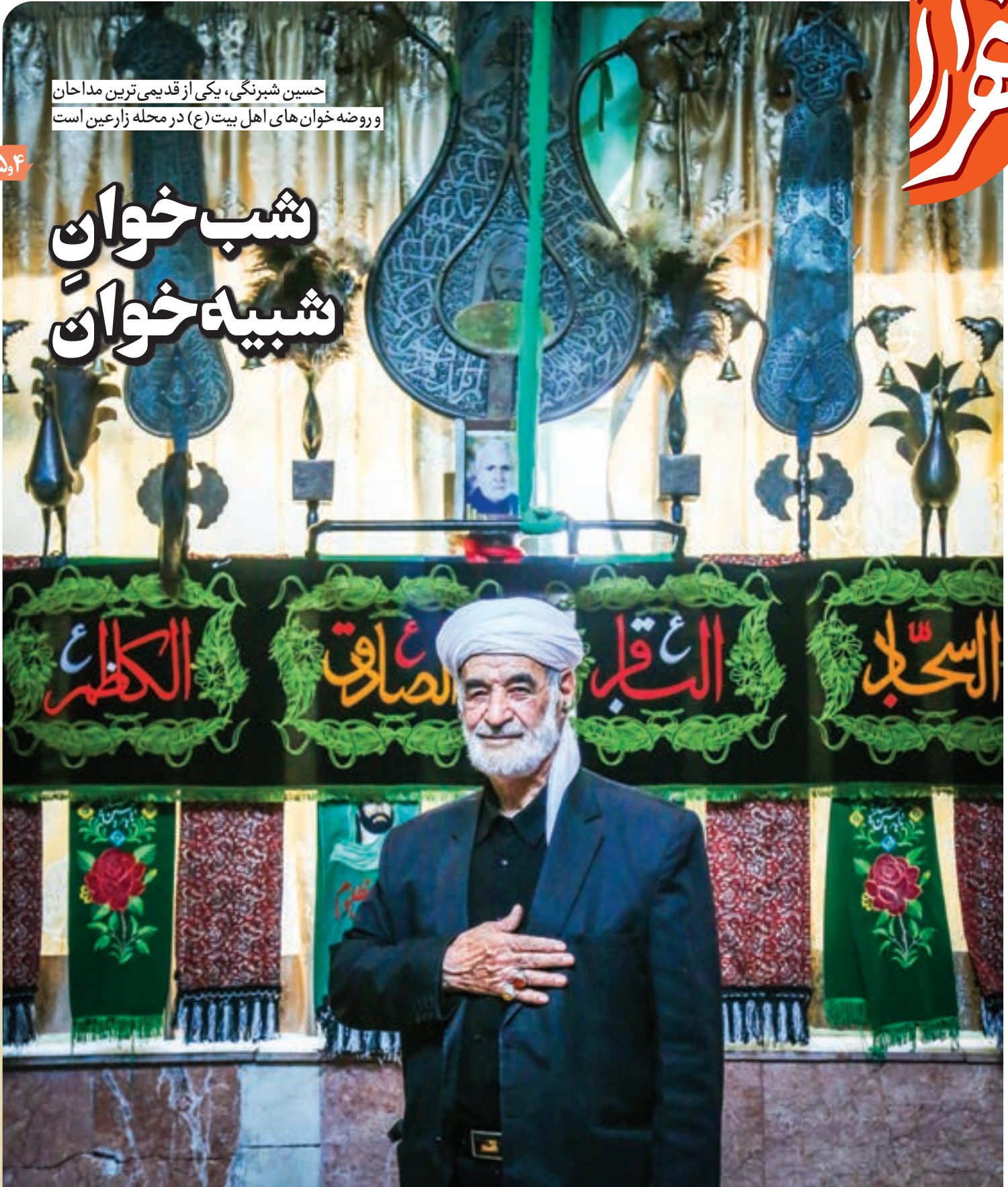




حسین شبرنگی، یکی از قدیمی ترین مداحان  
وروضه خوان های اهل بیت (ع) در محله زارعین است

۵۴

# شب خوان شبیہ خوان



عکس: رسول کارگر/شهرآرا

بانوان محله خلیج با حمایت دفتر تسهیلگری  
کسب و کار خانگی راه انداخته اند

## دوستی های شیرین

۶



اهالی محله کوی کارگران از تعریض  
میدان شهیدان سلطانی ناراضی اند  
**دردسر یا درمان درد؟**

۲

کودکان نه گفتن و حفظ حریم شخصی را  
با تماشای تئاتری موزیکال یاد گرفتند  
**مهارت آموزی به کودکان**

۷



اهالی محله کوی کارگران از تعریض میدان شهیدان سلطانی ناراضی اند

## دردسر یا درمان درد؟

سمیرا منشادی صدای بوق ممتد خودروها یک لحظه هم قطع نمی شود. هرکدام از رانندگان قصد دارند راهی پیدا کنند تا زودتر از ترافیک سنگین میدان شهیدان سلطانی خلاص شوند. هر طرف از میدان را که نگاه می کنید، ترافیک تا چند صد متر امتداد دارد. آن ها که به کوچه های فرعی اشراف دارند، تلاش می کنند از طریق میان بر زودتر به مقصد برسند. در تماس های شهروندی ۱۳۷ نیز این مشکل مطرح شد و شهرداری محله قول پیگیری داده بود. در این گزارش برای گفت و گو با مردم، به میدان شهید سلطانی رفتیم که برخی از اهالی، آن را با نام شهید صدر می شناسند.



میدان های شهر بوده و نیازی به تعریض نداشته است. خواسته کسبه از مسئولان، این است که میدان به حالت قدیمی خود بازگردد.

سید علی خراشادی، از ساکنان محله کوی کارگران و عضو شورای اجتماعی محله کوی کارگران، در این باره می گوید: مشکل ترافیک از هنگام تعریض میدان شروع شد. چند بار برای اعتراض با ۱۳۷ تماس گرفتیم. پاسخی که دریافت کردیم، این بود که پلیس راهور و سازمان ترافیک، این طرح را اجرا کرده اند و شهرداری منطقه در اجرای طرح مشارکت نداشته است.

### ● میدان را به حالت قبل برگردانید

از کسبه خیابان چمن است و خودش را جلال مهری زاده معرفی می کند. او سال هاست که در این راسته مغازه دارد و از ترافیکی که به وجود آمده حسابی شاکی است. مهری زاده توضیح می دهد: اهالی با میدان مشکلی نداشتند و ترافیکی هم نبود. نمی دانم چرا شهرداری یک باره تصمیم گرفت این میدان را بزرگ تر کند.

مشغول صحبت هستیم که چند مغازه دار دیگر هم به جمعمان اضافه می شوند و هر کدام از حدس و گمان هایشان درباره علت بزرگ تر شدن میدان می گویند. یکی از آن ها خودش را صابر پاک فطرت معرفی می کند و می گوید: ما کسبه و به طور قطع ساکنان محله خواستار تعریض میدان نبودیم. نمی دانیم چرا شهرداری، خلاف خواسته مردم، دست به چنین اقدامی زده است.

او ادامه می دهد: از وقتی عملیات تعریض میدان اجرا شده و به دنبالش ترافیک شکل گرفته است، افرادی که قصد خرید در این محدوده را دارند، جای پارک پیدا نمی کنند و از خرید منصرف می شوند.

آن ها به جلسه ای اشاره می کنند که در مسجد حضرت ابوالفضل (ع) با حضور مسئولانی از پلیس راهور و سازمان ترافیک و شهرداری برگزار شد. در این جلسه، پاسخ مسئولان به اعتراض مردم این بود که چون میدان حادثه خیز بوده و تصادفات زیادی در آن رخ می داده، آن را عریض کرده اند؛ این در حالی است که اهالی معتقدند تصادفات خود رویی این میدان هم مانند دیگر

وقتی عملیات تعریض میدان اجرا شده و به دنبالش ترافیک شکل گرفته است، افرادی که قصد فرید در این محدوده را دارند، جای پارک پیدا نمی کنند و از فرید منصرف می شوند

### ● میدان اصلاح می شود

شهردار منطقه ۷ درباره مشکل ترافیک میدان صدر می گوید: طرح جدید میدان، دوباره بازبینی و اصلاح شده است و با اجرای این طرح، دو متر به معبر سواره رو اضافه خواهد شد.

مجید وحدتی پور با اشاره به اینکه کار اصلاح میدان تا قبل از شروع سال جدید به پایان می رسد، می افزاید: با جمع شدن کارگاه عمرانی و اضافه شدن این دو متر به فضای سواره رو، مشکل ترافیک در سال جدید برطرف خواهد شد.

شهردار منطقه ۷ بیان می کند: این طرح بر اساس گزارش هر ساله پلیس راهور از نقاط حادثه خیز منطقه به سازمان ترافیک، اجرایی شد. تعریض میدان نیز بر اساس نظر کارشناسان سازمان ترافیک شهرداری مشهد انجام گرفته و در کمیته فنی و شورای فنی سازمان ترافیک مطرح و تصویب شده است.

## راسته خدمات باربری در فدائیان اسلام

فرامرز! اگر گذرتان به خیابان فدائیان اسلام افتاده باشد، کامیون و خودروهای باربری دیگری مانند نیسان یا پیکان وانت را خواهید دید که یا آمده اند بارشان را تحویل شرکت مد نظر بدهند یا برای بارگیری آمده اند. شرکت های باربری این خیابان به نقاط مختلف کشور از شمال تا جنوب، بار ارسال می کند. این بارها از یخچال و تلویزیون گرفته تا کولر لوازمو پلاستیکی هستند.





شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



### ● برای ترویج فرهنگ نوع دوستی

با شروع ماه مبارک رمضان، معتمدان خیریه سرداران کربلا در مسجد عباسی واقع در محله امام رضا<sup>(ع)</sup> در اقدامی خیرخواهانه، ۱۵۰ بسته کمک معیشتی به ارزش بیش از ۳۳۰ میلیون تومان را تهیه و به خانواده های نیازمند اهدا کردند. این اقدام با هدف حمایت از خانواده های کم برخوردار و ترویج فرهنگ نوع دوستی انجام شد.



### ● سفره ای به وسعت مهربانی

نجمه موسوی زاده در ماه مهمانی خدا، سفره افطاری ساده اما پراز صفا هر شب در مسجد المهدی<sup>(ع)</sup> محله امام خمینی<sup>(ره)</sup> گسترده می شود و روزه داران، لحظاتی معنوی را کنار یکدیگر سپری می کنند. جوانان، نوجوانان و نمازگزاران محله امام خمینی<sup>(ره)</sup> گرد هم جمع می شوند تا فرهنگ برپایی مراسم افطاری ساده، قناعت و چشم پوشی از تجملات را گسترش دهند.

### ● به پاس فداکاری

در سالروز بزرگداشت شهدا، اعضای شورای اجتماعی محله امام رضا<sup>(ع)</sup> به همراه معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۸ و دبیر شورای اجتماعی محلات، به دیدار خانواده شهید حمیدرضا جاودانی خالقی رفتند. شهید حمیدرضا جاودانی خالقی، متولد ۱۳۴۳ بود که سال ۱۳۶۳ در منطقه کردستان به شهادت رسید. این دیدار به پاس فداکاری های این شهید بزرگوار و دیگر شهدای گران قدر کشور انجام شد.



### ● عیدی مؤسسه دارالاکرام به دانش آموزان

مؤسسه دارالاکرام در محله جنت به بهانه فرارسیدن نوروز، ۶۳۰ جفت کفش و ۷۰۰ بسته معیشتی بین دانش آموزان تحت پوشش توزیع کرد. این مؤسسه علاوه بر این به هر دانش آموز، مبلغ یک میلیون تومان به عنوان عیدی پرداخت کرد. دارالاکرام هفتصد دانش آموز مستعد بی بضاعت را در استان حمایت می کند.



## پیاده‌روسازی در صدر درخواست‌های مردم



### ساخت‌وساز غیرمجاز

شهروندان طی دو تماس، درخواست رسیدگی به ساخت‌وساز غیرمجاز در خیابان امام خمینی<sup>(ره)</sup> ۷۵ و بین سرشور یک و ۳ را مطرح کردند.



### حوزه فنی و عمران

شهروندان در ۸ تماس، مرمت پیاده‌رو در خیابان‌های چمران، گلستان غربی، سرشور و مقابل میدان بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> را درخواست کردند. آنان در یک تماس نیز درخواست رسیدگی به دیوار خطرآفرین کوچه سعدی ۱۳ را مطرح کردند.



### فضای سبز

۴ تماس در این حوزه ثبت شد که شامل درخت‌کاری در سرشور ۳۴، رفع مشکل نورپردازی آیلند وسط چهارراه لشکر، ایجاد فضای سبز بین خیابان جهان‌آرای ۱۲ و ۱۴ و بهبود وسایل بدن‌سازی پارک کوهسنگی بود.



### خدمات شهری

۲ تماس یکی برای نصب باکس زباله در خیابان امام رضا<sup>(ع)</sup>، نزدیک حرم مطهر و دیگری برای حذف باکس زباله در نیش کوچه فروزنده ۱۳ برقرار شد.



### شهرداری

یک تماس مربوط به خرید خانه‌ای در بهار ۳ بود که مشکل تراکم دارد.



### ترافیک

ترافیک و مشکل تردد در خیابان شهیدان نجفی ۵/۶ در تماس یکی از شهروندان مطرح شد.

### شهرآرامحله پیگیری می‌کند

شهرآرامحله پیگیر بهسازی پیاده‌رو در خیابان گلستان غربی خواهد بود.

نجمه موسوی زاده، کاظم یزدان مهر، شهردار منطقه ۸، به همراه آرش مرتضوی، رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل این منطقه، با حضور در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ به ۲۶ تماس مردمی پاسخ گفتند. بیشتر درخواست‌ها درباره بهسازی پیاده‌روهای معابر منطقه بود. علاوه بر درخواست‌ها چند نفر از شهروندان در تماس‌های خود از اقدامات برف‌روبی در منطقه و تلاش‌های پاکبانان قدردانی کردند. یکی از شهروندان بیست دقیقه در انتظار بود تا برای برف‌روبی بوستان کوهسنگی تشکر کند.

### تغییر سبک زندگی برای مداحی

حاج حسین متولد و بزرگ شده طرق است. شبرنگی در دوران کودکی به مکتب رفت تا خواندن، نوشتن و تلاوت قرآن رایج بگیرد. اما درس خواندنش طولی نکشید و پدرش او را از رفتن به مکتب خانه منع کرد تا کمک دست خودش بشود. گله دار و کشاورز بود و از همین راه زندگی اش را می گذراند.

حسین که نوجوانی چهارده ساله بود، همراه پدرش به سرزمین رفت. با آنکه دومین پسر خانواده بود، کم کم همه مسئولیت کاشت، داشت و برداشت به گردنش افتاد. علاوه بر کشاورزی، به عنوان نگهبان مزرعه نمونه آستان قدس رضوی نیز مشغول به کار بود و از همان جا بازنشسته شد.

حاج حسین شبرنگی برایمان این طور تعریف می کند: غم از دست دادن پدر خانه نشینم کرده بود. سر شیفته هایم حاضر نمی شدم. دلم نمی خواست سر کار برگردم. گروهی از همکارانم برای سرسلامتی و به سرکار برگشتنم به منزلم آمدند. در همان مجلس، یکی از آن ها بعد از تلاوت قرآن، ذکر مصیبت خواند. صدایش و تک تک جملاتش به دلم نشست. فردای آن روز که به محل کار رفتم، به همکارم، مرحوم محمد وظیفه دوست، گفتم به مداحی و مرتبه خوانی علاقه دارم و از او خواستم به من هم یاد بدهد.

مرحوم وظیفه دوست برای آموزش حاج حسین یک شرط گذاشت. آن هم اینکه سیگار کشیدنش را ترک کند. او قبول کرد و آموزش شروع شد. از همان روز دیگر حاج حسین لب به سیگار نزد. محمد آقا چند ذکر مصیبت را برای حاج حسین نوشت و به او آهنگ و ریتم خواندن را آموزش داد.

حاج حسین که مصیب خوانی برای اهل البیت<sup>(ع)</sup> و روضه خوانی را دوست داشت، هر زمان که فرصت پیدا می کرد، مثلا وقتی

حین نگهبانی تنها بود برای خودش روضه می خواند تا به تمریناتش برسد.



۷



داستان جلد

حسین شبرنگی، یکی از قدیمی ترین مداحان و روحانی

# شب خوان

سمیرا منشادی دفتر چرمی اش را باز می کند. دم می گیرد و همان شور، ذکر مصیبت می گوید. صدای حسین شبرنگی، مسجد امام رضا<sup>(ع)</sup> می پیچد. با آنکه عمرش از هشتاد گذر کرده می رسد، اشک هایش جاری می شود.

او چهل سالی می شود که ذاکر اهل البیت<sup>(ع)</sup> است. بار اول و رفته و دلش حساسی گرفته بود. در مراسمی، همکارش مداحی که حالا چند سالی است از دنیا رفته، خیلی به دلش نشست. بدهد. خودش معتقد است لطف و عنایت ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> باعث هیبت علی اکبر<sup>(ع)</sup> است و هر ساله در مناسبت های مختلف حاج حسین را می توان قدیمی ترین ذاکر اهل البیت<sup>(ع)</sup> و مداح

### به کم رویی غلبه کردم

تا قبل از اینکه برای اولین بار برای اهالی طرق روضه بخواند در مراسم هاقرآن می خواند. بدون اینکه خجالت بکشد. حالا که آماده بود تا روضه خوانی را شروع کند، خجالت مانعش می شد. شبرنگی می گوید: قرآن خواندن در مراسم طریقی ها مرسوم بود. اما کسی ذکر مصیبت و مداحی نمی کرد. به همین دلیل خجالت می کشیدم مداحی کنم. بارها در مجالسی که می رفتم، دفترم را از جیبم در می آوردم که بخوانم. اما خجالت مانع می شد و دوباره بدون اینکه کسی متوجه شود، دفتر را توی جیبم می گذاشتم. مرحوم همکارم هر بار می پرسید، در مراسمی که رفتی مداحی کردی؟ ذکر مصیبت چه؟ و من پاسخ می دادم خجالت کشیدم؛ برویم نشد. یک روز بانا را حتی گفت اگر قرار باشد مداحی نکنی، چه فایده که مدام تمرین می کنی؟ این بار اگر در مراسمی که می روی ذکر مصیبت نخوانی، دیگر آموزشی در کار نیست.

بالاخره آن فرصت برای شروع کار شبرنگی پیش آمد. در مراسمی قرآن مقابلش گذاشتند. او ابتدا قرآن خواند، بعد دفترش را با اعتماد به نفس از جیب کتتش بیرون آورد و روضه خواند. او به خاطر دارد که همه بزرگان مجلس به گریه افتادند. بعد از مراسم هر کدام از اهالی که او را دیده بودند، تشویقش کردند که ادامه بدهد. بالاخره حاج حسین توانسته بود به خجالتش غلبه کرده و روضه خوانی را شروع کند.



### شبیه خوانی در مسجد قلعه و بربرآباد

حالاکه صحبت از عزاداری های قدیم شده است، شیرنگی گریزی به شبیه خوان های قدیم طرق می زند. آن هادومسجد، یکی در محله ایوان طرق و یکی در محله طرق فعلی داشتند به نام مسجد قلعه (مسجد بهشتی فعلی) و مسجد بربرآباد (مسجد امام خمینی <sup>(ع)</sup> فعلی).

هرکدام از این دو مسجد در زمان های عزاداری شبیه خوان های خودشان را داشته اند و شیرنگی از ایام کودکی اش آن ها را به یاد دارد. او می گوید: در مسجد قلعه مرحوم ماشاء... باغبانی شبیه خوانی می کرد. صدای خوب و گرمی داشت. پرسوز و گداز می خواند. هنگامی که شروع می کرد، صدای گریه مردوزن بلند می شد. در مسجد بربرآباد هم مرحوم کر بلائی حاج رجب دم می گرفت. او هم شبیه خوان قدیمی محله بود. گاهی که از مراسم برمی گشتیم، اشعاری را که می خواندند، با خودم زمزمه می کردم. طوری که برخی از اشعار نقش ها را حفظ بودم. رسم بود اهالی بعد از سینه زنی از مسجد به سمت قبرستان قدیمی طرق می رفتند و آنجا هم به سینه زنی می پرداختند.

### احساس مسئولیت یک مداح

مداح و ذاکر پیشکشسوت محله زار عین احساس مسئولیت می کند و از خواندن هر نوع شعر یا ریم و آهنگی در مراسم عزاداری خودداری می کند. او دفترچه قدیمی همکار مرحوم مش را در اختیار دارد و اشعار قدیمی اش را در مراسم مذهبی می خواند. هر بار که برای مراسمی می رود ذکر مصیبت می خواند. خودش را مسئول می داند که روایت صحیحی از زندگی ائمه <sup>(ع)</sup> و مصیبت هایی را که متحمل شدند، با اشعاری اصیل به گوش مردم و به خصوص نسل جوان برساند.

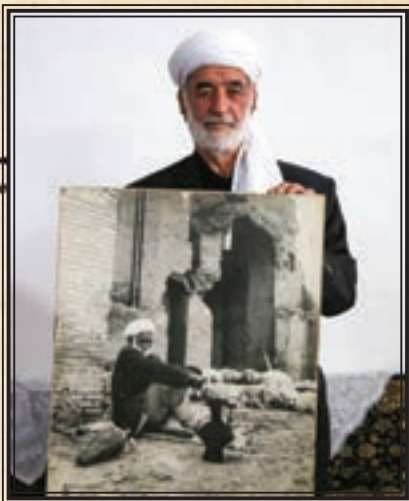
اما آنچه این مداح را نگران می کند، تغییر در الگوی عزاداری و مداحی نسل جوان است. حاج حسین حرفش را این طور ادامه می دهد: متأسفانه امروز روضه های مادستخوش تغییرات بسیاری شده و از آن حال و هوای معنوی قدیم که روضه خوان ها و مصیبت خوان ها داشتند، فاصله گرفته است. ریتم ها و آهنگ هایی که جوان ها به اشعار می دهند، مناسب نیست. شعرهایی هم که خوانده می شود، گاهی معنا و مفهومی ندارد. برخلاف گذشته که شعر و صدای خوب حرف اول را می زد، این روزها سیستم صوت و صدا حرف اول را می زند. شاید یکی از دلایل این بود که آن زمان دستگاه های صدا مثل حالا نبود که مداح بتواند با کمک دستگاه ها صدایش را بهتر کند.

اولا به لای حرف هایش نقل می کند که قدیمی هادرا انتخاب شعر و آهنگ برای نوحه خوانی و مداحی بسیار وسواس به خرج می دادند تا این اشعار به دل مردم بنشینند و مصداق این جمله بودند که «هر سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند». حالا اونیز همین رویه را در پیش گرفته است. اشعاری را انتخاب می کند که به دلش بنشینند.

### آرزویی که برآورده شد

حاج حسین آرزو داشت که روزی در کربلا ذکر مصیبت بخواند و برای اهل البیت <sup>(ع)</sup> روضه خوانی کند. این آرزویش از دهه ۸۰ که کاروان ها به سمت عراق راهی شدند، برآورده شده است. سیزده بار با هیئت ها و کاروان های مختلف و سه بار هم با همسرش راهی کربلا شده است. اولین باری که گلدسته های حرم امام حسین <sup>(ع)</sup> را دید، اشک ریخت و با چشمان اشک بار تاپای ضریح رفت. می گوید: آن قدر از این زیارت ذوق زده بودم که نمی توانم آن را توضیح بدهم.

آنجا که بودم، ابتدا از امام حسین <sup>(ع)</sup> و حضرت ابوالفضل <sup>(ع)</sup> اذن خواستم و سپس برای هم کاروانی هایم ذکر مصیبت خواندم.



### شبیه خوانی داماد و پدرزن

از وقتی حاج حسین مداحی را شروع کرد، چهل سالی می گذرد. او در کنار مرحوم حسین دشتی طرقی (پدر همسرش) شبیه خوانی هم می کرد. آن ها هر سال تا سوغا و عاشورا به اتفاق عمو، پدر همسر و سایر وابستگان، مراسم شبیه خوانی را به دست می گرفتند؛ «برگزاری مراسم بدین شکل بود که شبیه خوانی مراسم را شروع می کردیم؛ سپس من روضه می خواندم و مداحی می کردم. در این دوروز به همراه علم قدیمی مان که این روزها در مسجد محله نگهداری می شود، با کامیون به سمت حرم امام رضا <sup>(ع)</sup> می رفتیم و آنجا مراسم را ادامه می دادیم.»

آن طور که حاج حسین در صحبت هایش می گوید، شبیه خوانی بین اهالی طرق طرفداران بسیاری دارد. در عزاداری های مذهبی، یکی از مراسم همیشگی شان بوده است. او می گوید: دو گروه موافق خوان و مخالف خوان بودیم که من جزو دسته موافق خوان به عبارتی سپاه امام حسین <sup>(ع)</sup> بودم. گاهی مراسم را در منزل خودم که آن زمان حیاط بزرگی داشت و گاهی هم در مسجد محله مان برگزار می کردیم. مردم هم در اجتماع بسیار بزرگ دور ما برای دیدن تعزیه حلقه می زدند و عزاداری می کردند. متن تعزیه یا تعزیه نامه ها بیشتر به صورت شعر عامیانه بود. شیرنگی می گوید: متن این شعرها از طریق پدران و پدر بزرگ هایمان نسل به نسل به ما منتقل شده است.

### بانی هیئت قدیمی محله

حاج حسین هیئتی قدیمی هم دارد که خودش سنگ بنایش را گذاشته است. او برایمان توضیح می دهد: خدا به من توفیق داد از همان ابتدای زندگی مشترک یعنی از حدود پنجاه سال قبل، هیئتی را به نام «علی اکبر <sup>(ع)</sup>»، تأسیس کنم. همچنین سعادت داشتم هر سال روز تاسوعا، عاشورا و وفات امام رضا <sup>(ع)</sup> در خانه خودم چهار پنج دیگ دزری بپزم و در کنارش از عزاداران اهل بیت <sup>(ع)</sup> پذیرایی کنم.

قدیم ها مردم بیشتر در مجالس عزاداری اهل البیت <sup>(ع)</sup> شرکت می کردند. این نظر شیرنگی است که معتقد است این روزها جوان های پای شبکه های مجازی و تلویزیون و وقتشان را سپری می کنند و کمتر به مجالس محلی می روند.

او معتقد است روضه در حقیقت به انسان ها کمک می کند تا فهم درستی از واقعیت های زندگی اهل بیت <sup>(ع)</sup> داشته باشند. بنابراین ارزش این کار بسیار زیاد است و هر کسی برای برگزاری این مجالس هر چند کوچک قدمی بردارد، اجر فراوانی نزد خداوندگار دارد. از طرفی درک درستی از زندگی ائمه <sup>(ع)</sup> به دست می آورد که می تواند از آن برای زندگی روزمره اش بهره ببرد؛ البته به این شرط که روضه خوان اطلاعات درستی در اختیارش قرار دهد.

### ضنه خوان های اهل بیت (ع) در محله زار عین است

# شبیه خوان

مصیبت می خواند. انگار در جمع عزاداران نشسته است؛ با ذاکر اهل البیت <sup>(ع)</sup> و مصیبت خوان قدیمی محله زار عین در شته است، صدایش گرم و قدرتمند است. به او ج مصیبت

قتی دلش خواست ذکر مصیبت بخواند که پدرش از دنیا مصیبت خوانی کرد. آن سوز و گداز در صدای آن مداح آشنا ت. مدتی بعد، از دوستش خواست که به او هم مداحی یاد عث شده است پاد این راه بگذارد. حسین شیرنگی، بانی مذهبی در منزلش، مراسم عزاداری و سینه زنی برپا می کند. مصیبت خوان محله زار عین دانست.

### شب خوانی در ماه رمضان

این مداح موسپید کرده محله زار عین حال و هوای ماه مبارک رمضان را زیبا توصیف می کند. او از به یاد آوردن اشتیاق روزه داری و چراغ های منازلی که یکی پس از دیگری با شب خوانی روشن می شد سر ذوق می آید؛ «از یک ماه مانده به ماه مبارک، اشعار شب خوانی را آماده می کردم. این اشعار مخلوطی از قرآن و دعاهای مرتبط با ماه رمضان بود.»

یک ساعت قبل از اذان به روی پشت بام می رفتم و بدون بلندگو شروع به شب خوانی می کردم. آن موقع هر کسی سواد داشت، شب خوانی می کرد. برخی هم برای بیدار کردن اهل محل با چوب روی تین جلبی می زدند.»

شب خوانی تا وقتی رادیو و تلویزیون همگانی تر شد، ادامه داشت. کم کم این رسم هم برافتاد. شیرنگی حرفش را این طور ادامه می دهد: وقتی نوجوان بودم، پدر و مادرم برای این کار، من را به روی پشت بام می فرستادند. می گفتند ثواب دارد مؤمنی را برای سحری بیدار کنی. هرکدام از افراد با سواد خانه، یکی بعد از دیگری به نوبت روی پشت بام می رفتم و کمی شب خوانی می کردم و برمی گشتیم. بعد از آن هم نوبت اذان گفتن بود. سپس اهالی خانه راهی مسجد می شدند تا به جماعت نماز بخوانند.

بانوان محله خلیج با حمایت دفتر تسهیلگری، کسب و کار خانگی راه انداخته اند

## دوستی های شیرین



راه تجربه



سمیرا منشادی آشپزخانه شلوغ و پراز جنب و جوش است. سینی های بزرگ پراز شیرینی نخودی، برنجی، مریابی، برشتوک و... روی میزها چیده شده اند. کیسه های آرد و شکر در گوشه ای قرار دارد و ظرف های روغن و کره روی پیشخوان دیده می شود. بوی کره آب شده همراه با عطر پودر پسته و بادام در فضا پیچیده است و حس شیرین یک روز پرکار را به ذهن می آورد. دست های اعضای گروه «شیرینی پویا» با سرعت حرکت می کند. یکی خمیر را ورز می دهد، دیگری با دقت، خرده های پسته را روی شیرینی هامی پاشد؛ یک نفر هم سینی های شیرینی را در فر قرار می دهد.

از پنجره نیمه باز آشپزخانه نسیمی خنک می وزد، اما چیزی از گرمای آشپزخانه کم نمی کند. روی میزها پراز وسایل قنادی است؛ وردنه های آردی، انواع قالب های فلزی و سیلیکونی، کاغذ های روغنی و جعبه ها که آماده بسته بندی هستند.

قنادها با اینکه روزه دارند، انرژی شان کم نشده است؛ همه با اشتیاق کار می کنند. سمیه اسحاق پور، سرپرست گروه، با دقت، مراحل کار را بررسی می کند. مریم محمودی، خمیر نخودی را شکل می دهد. اکرم و اعظم زارع روی تزئین شیرینی ها کار می کنند و محدثه بوستانی بسته بندی را انجام می دهد. در حالی که کار می کنند، باهم گفت و گو می کنیم تا از تحویل کارشان عقب نمانند. قرار است هفتده کیلو شیرینی را ظرف ۲۴ ساعت تحویل بدهند.

این بانوان دوره های شیرینی پزی و آشپزی را در دفتر تسهیلگری محله خلیج گذرانده و بعد از کسب مهارت، مدرک فنی و حرفه ای دریافت کرده اند.

ایده تشکیل گروه از علاقه مشترکشان به شیرینی پزی و رویای داشتن کسب و کاری مستقل ایجاد شده است. هر کدام با مهارت و سلیقه خود، بخشی از این کار را به عهده گرفته اند. یاد می گیرند، رشد می کنند و در کنار هم پیش می روند.

با خنده به هم نگاه می کنند؛ اکرم که بزرگ تراست، حرفش را این گونه آغاز می کند: در دوران نوجوانی هر چه می پختیم، خانواده استقبال می کرد. گاهی می سوخت، گاهی بدمزه می شد، گاهی دستور پخت یک چیز بود و مایک غذای متفاوت درست می کردیم. والدینمان حمایت می کردند و می گفتند باید در خانه، امتحان کنید تا حرفه ای بشوید. همین سبب شد ما به آشپزی و شیرینی پزی علاقه مند شویم و کارمان را دنبال کنیم.

اکرم با آشپزی، آرامش خاصی پیدا می کند و از اینکه اطرافیان دست پختش را دوست داشته باشند، لذت می برد. کار گروهی را دوست دارد و درباره گروهی که در آن فعال است، می گوید: با آنکه مدت کوتاهی است به صورت جمعی کار می کنیم، باهم هماهنگ هستیم. در این مدت باهم چالش نداشته ایم. شکر خدا توانسته ایم سفارش ها را به موقع برسانیم.

اعظم، خواهر کوچک تر که دودختر دارد، این طور می گوید: وقتی جدا کار می کردیم، هر کدام از ما مشتریان خودمان را داشتیم و به دلیل کمبود وقت و خستگی ناشی از کار، پذیرش سفارش هایمان محدود بود. اما حالا می توانیم سفارش های بیشتری قبول کنیم. اعظم زارع از کار گروهی رضایت دارد و توضیح می دهد: مدت ها بود که می خواستیم درآمد کسب کنیم و وارد بازار کار شوم. هنگامی که این پیشنهاد مطرح شد، از آن استقبال کردم؛ چون با یک تیر دو نشان می زنم.

محدثه بوستانی از همه اعضای گروه کم سن تر و دهه هفتادی است. در تمام طول مصاحبه، ساکت است و با اطرافیان کمتر حرف می زند و کارش را انجام می دهد. همه اعضای گروه، او را به عنوان فردی دقیق و منظم می شناسند. بوستانی در پخت برشتوک مهارت دارد. عضویتش در گروه را به دلیل تبادل تجربه، مفیدی می دانند و می گوید: هر کدام از مادر کاری مهارت داریم و توانایی یکدیگر را تکمیل می کنیم.

این دختر دهه هفتادی می گوید: هر سال بازارچه هایی در محلات منطقه برای بانوان برپا می شد. خیلی وقت ها به عنوان خریدار از آن غرفه ها خوراکی یا شیرینی خریدم. ام هم کسب و کارشان معرفی می شد و هم مشتری پیدا می کردند. امیدوارم باز هم چنین بازارچه هایی برپا شود تا گروه ما هم بتواند در آن شرکت کند.

ما هر کدام به دلایلی از گروه رفتند. حالا پنج نفر هستیم. برای تهیه سفارش ها چون مکان ثابتی نداریم، هر بار به خانه یکی می رویم. وسایل و ابزار کارشان را از قبل داشته اند و در تأمین هزینه مواد اولیه باهم شریک اند و با سرمایه کمی کارشان را شروع کرده اند. حالایی که از دغدغه هایشان، داشتن مکانی ثابت برای کسب و کارشان است. سمیه خانم می گوید: نزدیک عید، گروه را تشکیل دادیم و فرصتی نبود که برای تهیه مکان ثابت وقت بگذاریم؛ به همین دلیل نمی توانیم زیاد سفارش قبول کنیم.

آن ها برای تبلیغ کارشان، در فضای مجازی هم کانالی درست کرده اند و از طریق آن، سفارش می گیرند و نمونه کارهایشان را به نمایش می گذارند.

از عمر آشنایی مریم محمودی و اسحاق پور، ۱۰ سال می گذرد. همسایه و هم دوره قرآنی هستند و باهم، دوره های شیرینی پزی را گذرانده اند. محمودی همان طور که قالب نخودی را آردپاشی می کند، می گوید: دفترهای شیرینی و آشپزی سمیه خانم را می گرفتم و از روی آن آشپزی می کردم. همین باعث رفاقتمان شد. در این سال ها بارها بدون اینکه مزدی بگیرد، برای اطرافیان شیرینی پخته است. او هر وقت جایی دعوت بوده، از کیک و شیرینی های خودش به عنوان هدیه برده است. محمودی می گوید: همین حس و حال خوب ترغیب کرد که وارد گروه شوم. کار جمعی زودتر انجام می شود و هر کدام گوشه ای از کار را می گیریم. مریم خانم امیدوار است که بتوانند بعد از نوروز، مکانی ثابت برای کارشان پیدا کنند. او درباره چالش کارش می گوید: کانالمان در پیام رسان ایستا باید به روز باشد و دائم به تهیه عکس و فیلم بپردازیم. این موضوع برایمان وقت گیر است. اما در این مدت توانسته ایم سفارش های خوبی قبول کنیم و این موضوع، ما را به ادامه کار امیدوار کرده است.

اکرم و اعظم زارع خواهند. از همان زمانی که در خانه پدری شان بودند، آشپزی و کیک و شیرینی پزی را شروع کردند. حالا که پای صحبت هایشان نشستیم، کلی خاطره مشترک از خراب کاری هنگام آشپزی دارند.

## فایده کار جمعی

## بازارچه های محلی، راهی برای شکوفایی

## حمایت دفتر تسهیلگری از مشاغل خانگی

سمیه اسحاق پور مادر سه فرزند است و تا قبل از دواج به قول خودش در خانه پدری دست به سیاه و سفید نمی زد. اما از دواج و راهی شدن به استان چهارمحال و بختیاری باعث شد دست به کار شود و برای آشپزی در منزل دنبال دستور پخت بگردد. همین دو سال دوری، او را به آشپزی حرفه ای تبدیل کرد. اولین شیرینی هایی که پخت، نخودی و برنجی بود که حالا در پخت آن ها مهارتی مثال زدنی دارد. اسحاق پور می گوید: تا سه سال قبل، فقط برای خودم شیرینی و کیک می پختم. اما تصمیم گرفتم مدرکم را در این زمینه بگیرم و در اقتصاد خانوار سهیم شوم. شنیدم که دفتر تسهیلگری محله خلیج، کلاس هایی در این زمینه برگزار می کند و مدرک می دهد. در کلاس ها شرکت کردم و توانستم مدرکم را بگیرم. در همین کلاس ها با سایر اعضای گروه آشنایی شدم. دفتر تسهیلگری به آن ها پیشنهاد داد که گروهی تشکیل دهند و با تقسیم کار سفارش قبول کنند.

سمیه خانم، سینی نخودی داخل فر را کنترل می کند و به یکی از بانوان می گوید پنج دقیقه دیگر آماده است و سپس حرفش را این گونه دنبال می کند: حدود سه ماه قبل شروع کردیم. تعدادمان بیشتر بود.

## تجربه های خواهرانه

در رویداد «شمس»، دختران نوجوان محله هفده شهریور درباره ایده‌های شغلی خود مشاوره گرفتند

## صفر تا صد راه‌اندازی یک کسب‌وکار

عیدگاه

دوره راد صورت نیاز به مشاوره یا آموزش، حمایت و به آن‌ها کمک می‌کنیم تا بتوانند کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کنند. فهیمه سادات طیبی یکی از استادانی است که در رویداد حضور دارد. او می‌گوید: تلاش می‌کنم دختران و بانوان بتوانند درباره خودشان شناخت پیدا کنند. استعدادها و نقاط قوت هر فرد موضوع بسیار مهم و شایان توجهی است که باید هر فردی به آن اشراف داشته باشد. او ادامه می‌دهد: در صورتی که افراد به توانایی‌ها و استعداد‌های خود شناخت پیدا کنند، در انتخاب شغل، انتخاب همسر، شناخت تفاوت‌ها و پذیرش تفاوت‌های زن و مرد در زندگی موفق عمل خواهند کرد.

### ● نکات کاربردی را آموزش دیدم

در کارگاه آموزشی سعید حشمتی، همه بانوان در حال یادداشت برداری هستند و عده‌ای هم فیلم می‌گیرند. با مریم شایان فر که کارآفرین است، هم کلام می‌شوم. او کارگاه سبزیجات آماده دارد. شایان فر که از طریق فضای مجازی و از طریق پایگاه بسیج محله‌شان با این رویداد آشنا شده است، درباره کلاس‌های این‌گونه برایمان توضیح می‌دهد: من در دوره‌ها و سمینارهای مختلفی شرکت کرده‌ام. اما هیچ‌کدامشان این قدر برایم مفید و کاربردی نبودند. روز گذشته با استعدادیابی که انجام شد، متوجه شدم باید به دنبال علاقه‌ای که از کودکی داشتم، بروم و کارهای هنری را دنبال کنم. او می‌افزاید: با آنکه رویداد دوروز بیشتر نیست، بسیار مفید بود و استادان نکات کاربردی و کلیدی را برایمان توضیح دادند.

این رویداد، دختران توانمندی‌های خود را بشناسند و مهارت‌هایشان را ارتقا دهند. بدین شکل دید بهتری به کسب‌وکارشان پیدا خواهند کرد و مرد نمی‌مانند.

مدیر رویداد شمس بیان می‌کند: ملاک ما برای ثبت نام افراد این بود که کسب‌وکاری داشته باشند که بتوانند آن را توسعه بدهند؛ یا افرادی که کسب‌وکاری داشته و شکست خورده‌اند. در این سمینار شرکت کنند. سومین گروه افرادی بودند که ایده کسب‌وکار دارند و می‌خواهند آن را عملی کنند.

به گفته علیمرزایی، روز اول رویداد، استادان به استعدادیابی شغلی و مشاوره کسب‌وکار پرداختند. در روز دوم، راه‌اندازی صفر تا صد کسب‌وکار موفق را استاد برای شرکت‌کنندگان بیان کرد. او با اشاره به اینکه افرادی را حمایت می‌کنند که ایده برای کسب‌وکار داشته یا نیاز به مشاوره دارند، توضیح می‌دهد: افراد شرکت‌کننده در این

سمینارنشادی در هفته‌ای که گذشت، محله هفده شهریور، شاهد برگزاری رویداد «شمس» ویژه دختران بود. این رویداد به طور آزمایشی در مشهد بارویکرد شتاب‌دهی، مهارت‌آفرینی شغلی، طی دوروز برگزار شد.

دست‌اندرکاران این رویداد، با فراخوان در فضای مجازی و همچنین اطلاع‌رسانی از طریق بسیج و پایگاه مساجد، از دختران و بانوانی که ایده کسب‌وکار داشتند یا کارآفرین هستند، دعوت کردند در این رویداد شرکت کنند. زهره علیمرزایی، مدیر رویداد شمس و کارآفرین و عضو شورای اجتماعی محله پروین اعتصامی، تاکید کرد که به ۲۷ کسب‌وکار در این دوروز، مشاوره داده شد. معاونت فرهنگی منطقه ۷ و بسیج مهندسیین صنعت و معدن در اجرای این برنامه همکاری داشته‌اند.

### ● ارائه مشاوره رایگان به کارآفرینان

زهره علیمرزایی دکترای کارآفرینی دارد و خودش هم از بانوان کارآفرین است. او همیشه دغدغه داشت که بتواند به نوجوانان و جوانان به ویژه دختران، در مسیر شناخت استعداد، مهارت‌یابی و راه‌اندازی کسب‌وکار خدمت کند.

علیمرزایی با بیان اینکه در این برنامه، ۶۵ نفر حضور داشتند، می‌گوید: کلاس‌ها به صورت کارگاهی برگزار شد و شرکت‌کنندگان مشکلات کسب‌وکار یا ایده‌هاشان را با استادان در میان گذاشتند. او بیان می‌کند: امروزه جوانان بعد از گرفتن دیپلم بین دوره‌های وارد بازار کار شدن یا ادامه تحصیل می‌مانند. مامی خواهیم با برگزاری



کودکان نه گفتن و حفظ حریم شخصی را با تماشای تئاتری موزیکال یاد گرفتند

## مهارت‌آموزی به کودکان



عیدگاه

مربوط به آن عنوان می‌کنند و می‌گوید:

استفاده از هنر نمایش می‌تواند تأثیر بسزایی در آموزش داشته باشد. زیرا مفاهیم مهم را به طور غیرمستقیم و در قالبی کودکان به بچه‌ها منتقل می‌کند.

او توضیح می‌دهد: چندین شخصیت در این نمایش حضور دارند. از جمله راوی داستان (خاله شهرزاد)، جادوگر، پلیس آهنی، دخترانی در نقش کودک، کاراکترهای منفی و در نهایت پلیس که هر کدام در لحظه‌ای مناسب به صحنه اضافه می‌شوند و نقش خود را ایفا می‌کنند.

### ● شناخت دقیق خطرات

مهلا ایزدجو، بازیگر نقش خاله شهرزاد، تنها شخصیتی در نمایش است که به عنوان راوی با کودکان ارتباط مستقیم دارد. او با اشاره به جنبه آموزشی نمایش توضیح می‌دهد: بسیاری از کودکان به دلیل سن کم، شناخت دقیقی از خطرات پیرامون خود ندارند. مادر این اجرا تلاش می‌کنیم که به آن‌ها یاد بدهیم اگر اتفاق ناگواری برایشان رخ داد یا کسی شخصی آن‌ها را نقض کرد، بدون ترس، موضوع را بلافاصله با والدینشان در میان بگذارند.

### ● شخصیتی ماندگار در ذهن کودکان

بتول حسین‌زاده، معلم پایه دوم دبستان که همراه دانش‌آموزانش

نجمه موسوی‌زاده | صداهای خنده‌های کودکان در فضای سالن می‌پیچد. همان‌طور که بچه‌ها می‌کنند، روی صندلی‌ها جابه‌جایی می‌شوند و پاهای کوچکشان بی‌قرار تاب می‌خورد. چشم‌هایشان، چون دو ستاره درخشان، به صحنه دوخته شده است؛ جایی که عروسکی آهنی ایستاده و دنیای خیالشان را به بازی گرفته است.

با ورود بازیگر نقش اول، نمایش آغاز می‌شود. سکوتی ناگهانی همه جارافرامی‌گیرد. دهان‌های کودکان بازمی‌ماند و قلب‌هایشان پراز هیجان می‌شود.

اینجا سالن آمفی‌تئاتر فرهنگ سرای کودک و آینده است؛ مدتی است این فرهنگ سرا میزبان نمایش موزیکال راز مجسمه شده است. تئاتری که در دل داستانی پرکشش و خیال‌انگیز، مهارت «نه گفتن» و حفظ حریم شخصی را به کودکان می‌آموزد. نمایشی که تنها سرگرم‌کننده نیست، بلکه قرار است در دل‌های کوچکشان جرقه‌ای از آگاهی روشن کند.

### ● هنر نمایش، راهی برای آگاهی بخشی

پس از سه ماه تمرین، حالا دو ماه و نیم می‌شود که نمایش «راز مجسمه» روی صحنه می‌رود و میزبان صداهای کودک علاقه‌مند مشهدی است. محترم رضایی، کارگردان این نمایش، هدف از اجرای آن را آگاهی بخشی به کودکان برای پیشگیری از کودک‌آزاری و معضلات

برای تماشای نمایش آمده است. درباره اهمیت چنین برنامه‌هایی می‌گوید: در مدرسه، کلاس‌های مشاوره‌ای برای مادران برگزار می‌شود تا بتوانند در این زمینه با فرزندانشان گفت‌وگو کنند.

او با اشاره به تأثیرگذاری نمایش، ادامه می‌دهد: داستان کشش خوبی داشت و حضور شخصیت پلیس آهنی باعث می‌شود که پیام نمایش در ذهن کودک ماندگارتر شود. این شخصیت به آن‌ها یادآوری می‌کند که در مواجهه با خطرات، حتماً باید موضوع را با پلیس در میان بگذارند.

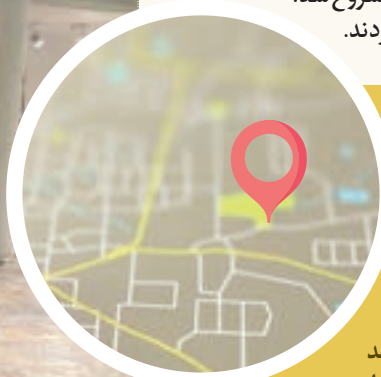
آیناز جوان شیر، دانش‌آموز کلاس دوم، از همان ابتدا مجذوب نمایش شده و چنان غرق داستان است که گاهی در میان اجرا، با صدای ظریفش، بازیگر دختر بچه را که در آستانه فریب خوردن توسط جادوگر است، راهنمایی می‌کند. با همان زبان کودکانه و شیرینش برایم تعریف می‌کند: من هیچ‌وقت از دست غریبه‌ها چیزی نمی‌گیرم، ولی حالا فهمیده‌ام اگر کسی خواست اذیت کند، بلافاصله به مامان یا آقای پلیس بگویم.



فاطمه سلیمی، عضو شورای شهر مشهد، در بازدید از این نمایشگاه می‌گوید: یکی از اهداف کمیسیون بانوان و خانواده شورای شهر مشهد این است که نگاهی ویژه به توان یابان و گروه‌های خاص داشته باشد. باتوجه به اینکه پیدا کردن لباس برای کوتاه قامتان در بازار سخت و دشوار است تصمیم گرفتیم با اجرای این طرح، از این افراد حمایت کنیم.



حلیمه مجیدی، دبیر رشته خیاطی، درباره اجرای این طرح توضیح می‌دهد: هنرستان به دنبال اجرای ایده‌ای نبود و در همین راستا تصمیم به برپایی این نمایشگاه گرفته شد. از تابستان امسال با پیدا کردن کوتاه قامتان و ارتباط با آن‌ها پروژه شروع شد. دانش‌آموزان از حضور در این نمایشگاه استقبال کردند.



با همت هنرستان البرز  
نمایشگاه کوتاه قامتان برپا شد

## دوخت و دوزهای خاص

نجمه موسوی زاده، نماینده لباس و عکس کوتاه قامتان شهر مشهد به همت هنرستان دخترانه البرز و با حمایت معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۸ و کمیسیون بانوان شورای شهر مشهد در موزه بزرگ خراسان به مدت سه روز دایر شد. در این نمایشگاه هفتاد هنرجوی رشته خیاطی و عکاسی این هنرستان مشارکت داشتند. دانش‌آموزان رشته خیاطی با دوخت لباس و هنرجویان رشته عکاسی با تمرین عکاسی برای ۴۵ نفر از کوتاه قامتان علاوه بر یادگیری دروس خود، ارتباط دوستانه‌ای با این گروه از جامعه برقرار کردند. فاطمه سلیمی، عضو شورای شهر، نیز از این نمایشگاه بازدید کرد.



نجیبه حاجی پور، نماینده کوتاه قامتان، از برپایی این نمایشگاه تشکر می‌کند و می‌گوید: برخی از بانوان پارچه را خریداری و مدل مورد نظرشان را به مدرسه ارائه کردند تا لباس مطابق سلیقه آن‌ها دوخته شود. از طرف دیگر معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۸، تهیه پارچه لباس ورزشی تیم فوتسال آقایان را تقبل کرد تا برای آن‌ها لباس یک شکل دوخته شود.



عکس: نجمه موسوی زاده/شهرآرا

ریحانه حسینی، دانش‌آموز پایه دوازدهم، می‌گوید: علاوه بر اینکه مهارت من و دوستانم زیاد شد ارتباط بسیار خوبی نیز با کوتاه قامتان برقرار کردیم. با اینکه امسال باید تمرکز بیشتری برای شرکت در کنکور داشته باشیم، آن قدر به شرکت در این برنامه تمایل داشتیم که حتی بعد از تعطیلی، برای پرو لباس و دوختن لباس در مدرسه می‌ماندیم.